کیهان

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

نماز در محدودهٔ حد ترخص

س) مسافری که به قصد پیمودن مسافت شرعی از وطن خارج می‌شود از چه زمانی نمازش قصر است، همچنین وقتی به سوی وطن برمی گردد از چه زمانی نمازش تمام است؟

ج) هنگام رفتن، با گذشتن از حد ترخصِ وطن*، نمازش قصر است و هنگام برگشت نیز با رسیدن به حد ترخص، نماز تمام است؛ هر چند احتیاط مستحب است که در حد فاصل بین حدّ ترخص و وطن، نماز را به صورت جمع بین قصر و تمام بخواند.

* یعنی از آخرین خانهٔ وطن به اندازه‌ای دور شود که صدای اذان متعارفِ شهر را بدون بلندگو نشنود؛ خواه دیوارهای شهر را ببیند یا نه. بر اساس تحقیقات انجام گرفته حدود ۱۳۵۰ متر پس از آخرین نقطهٔ شهر، حدّ ترخص می‌باشد.

فروش اقساطی

س) شرکتی به من نمایندگی فروش اقساطی داده، یعنی اجازه داده بدون پرداخت هیچ وجهی، کالاهای آن شرکت را به مشتری‌هایی که خود پیدا می‌کنم، به‌صورت اقساطی با درصد سود فروش اقساطی بیشتر برای مشتری قسط‌بندی کنم؛ مثلا شرکت کالا را با درصد همکاری ۵ درصد به من می‌دهد، اما من همان کالا را با درصد بالاتری، مثلا ۷ درصد به مشتری به صورت قسطی می‌فروشم؛ آیا این کار جایز است؟

ج) اگر درصد بالاتر در فروش اقساطی با اجازهٔ شرکت محاسبه شود، اشکال ندارد.

ربا بین زن و شوهر

س) آیا بنده می‌توانم مبلغی را به همسرم قرض بدهم به این شرط که بازپرداخت آن بیشتر باشد؟

ج) اشکال ندارد، بین زن و شوهر ربا نیست.

اخلال در نافله

س) اگر فردی در نمازِ نافله، کاری کند که برای آن در نماز واجب، سجدهٔ سهو واجب می‌شود مثلا یک سجده را فراموش کند و به جزئی وارد شود که شرعاً نمی‌تواند برگردد و آن را به جا آورد؛ آیا لازم است که پس از نماز، سجدهٔ سهو یا قضای سجده را انجام دهد؟

ج) به طور کلی نماز مستحبی، سجدهٔ سهو و قضای سجده و تشهد ندارد اما در عین حال باید توجه داشت که در نماز مستحبی اگر چیزی را فراموش کند حتی اگر در رکن بعدی هم وارد شده باشد، برمی‌گردد و آن را تدارک می‌کند مثلا اگر در رکعت اول یک سجده را فراموش کرد و در رکوع رکعت دوم به یادش آمد، بر می‌گردد و یک سجده را به جا می‌آورد و بعد، نماز را ادامه می‌دهد و اضافه شدن یک رکوع در فرض سؤال به نماز ضرری نمی‌زند.

وقف خانه مسکونی
بدون پرداخت مهریه همسر

س) آیا مردی که مهریه همسرش را نپرداخته است، می‌تواند تنها خانه مسکونی، که همسرش در آن زندگی می‌کند را وقف کند؟ اگر چنین کند چه راه‌حلی برای آن خانم وجود دارد تا پس از فوت همسرش، در پیری آواره نشود؟

ج) اگر وقف کردن برای فرار از پرداخت مهریه باشد، بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست؛ در غیر این‌صورت وقف اشکال ندارد ولی بر مرد واجب است نفقه و مهریه همسرش را طبق موازین شرع بپردازد و زن می‌تواند آن را در زمان حیات شوهر مطالبه کند.

تفاوت جهل و جمود

آیا از جهل بدتر هم چیزی هست ؟ بلی از جهل بدتر هم هست و آن جمود است. همچنانکه از نظر مالی و ثروت و اقتصاد ، از فقر بدترهم هست و آن غرور و اتکاء به دارایی خویش است . یعنی اینکه انسان فکر کند آنچه دارد، او را از همه چیز حتی از فعالیت و کار و فکر بی نیاز می کند، این از فقر بدتر است ...

جهل بد است از آن جهت که صرفا نیستی و فقدان علم است، اما چه بسا جاهل ها و نادان ها و فاقدالعلم ها که با عشق و شور و شوق زائدالوصفی درپی تحصیل علم و دانش می روند وآینده روشنی در انتظار آنها است. و ای بسا عالمی که به آنچه دارد مغرور است و خیال می‌کند آنچه او می داند کل دانش است و از این رو به دانش خود مغرور می‌گردد و این غرور یک دنیا جهل و تاریکی به وجود می‌آورد.

دانش بشر همیشه نسبت به آنچه حقیقت است ، یعنی نسبت به کل دانش اندک : و ما اوتیتم من العلم الا قلیلا.(اسراء /۸۵) عالم واقعی همیشه به نادانی و جهل خود اعتراف دارد، عالم واقعی بدون دلیل چیزی را انکار نمی کند و بدون دلیل چیزی را نمی پذیرد. عالم اگر جامد و مغرور بود، عالم نیست . عالم اگر بی دلیل چیزی را پذیرفت یا بی دلیل چیزی را انکار کرد ، روح علمی ندارد. او خزانه و انباری است از یک سلسله فرمول ها و اطلاعات ، هرچه به او داده شده یاد گرفته و ضبط کرده است اما در روح خودش یک روشنایی و یک مقیاس برای قبول و انکار وجود ندارد، پس روحش روح علمی نیست ....

... پس جمود که بدتر از جهل است عبارت است از روح ضد تحقیق، عبارت است از حالتی که مقدس‌ترین روحیه را که روحیه تحقیق و کاوشگری است از بشر می‌گیرد، شاید بشود گفت همان طوری که جمود از جهل زشتتر است، حس تحقیق از خود علم مقدس‌تر است. علم آنگاه مقدس و قابل احترام است که با روح تحقیق توام باشد. روح تحقیق آنگاه وجود دارد که بشر به نقص اطلاعات خود معترف باشد.

*** شهید مطهری، انسان و سرنوشت، ص ۱۱۵**
(مطلب امدادهای غیبی در زندگی بشر)

چرا انسان در برابر محیط زیست خود مسئول است؟

ما همان طوری که به موجب انسان بودن خود برای خود حقی قائلیم و معتقدیم چون انسانیم و کامل‌تر از سایر انواع، آفریده شده‌ایم پس حق داریم انواع استفاده‌ها از معادن و از دریاها و از جنگل‌ها و از گل‌ها و گیاه‌ها و از حیوان‌ها و از زمین‌ها بنماییم، عیناً به همین دلیل، حقوقی از همه این اشیاء بر عهده ما هست که باید از عهده آن حقوق برآییم.

امیرالمؤمنین علی(ع) در اولین خطابه‌ای که بعد از قبول خلافت ایراد کرد، این طور فرمود: «بندگان خدا! خدا را در نظر بگیرید. شما نسبت به جماعت‌ها و شهرهای خدا و نسبت به افراد بندگان خدا، نسبت به همه چیز مسئولیت دارید، حتی نسبت به بقعه‌ها و سرزمین‌ها و نسبت به حیوانات اهلی که در اختیار شماست.»

پس انسان به حکم همان استعداد و شایستگی فطری، از یک طرف استحقاق بزرگی برای استفاده از مواهب خلقت دارد و از طرف دیگر مسئولیت عظیمی نسبت به همه موجوداتی که در اختیار اوست از جماد و نبات و حیوان دارد.

***استاد مطهری، حکمت‌ها و اندرزها**
ج۱، صص ۹۶-۹۴ (با تلخیص)

نگاه ویژه اسلام به تقویت بنیه دفاعی

آیت‌الله مکارم شیرازی

بی‌شک اگر دنیا از ظالمان توسعه‌طلب و تجاوزکاران زورگو خالی می شد هیچ نیروی نظامی برای حفظ مرزهای کشورها مورد نیاز نبود و تمام مردم دنیا در کشورهای خود، در امن وامان می زیستند وبا یکدیگر روابط تجاری و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی سالم داشتند(۱) لیکن خوی برتری جویی و تجاوزگری که گاه در افراد و گاه در یک قوم و ملیت وجود دارد؛ غالباً سبب هجوم فرد یا قومی بر قوم دیگر یا ملتی بر ملت دیگر شده است؛ در چنین شرایطی همه حق دارند که خود را چنان قوی کنند که در امنیت زندگی داشته باشند؛ چرا که در نظام کنونی دنیا متأسفانه ضعیف پایمال است؛ و همین امر «فلسفه تشکیل نیروهای مسلح و قوای دفاعی را روشن می کند.»(۲) همچنین برای قوم و ملتی که حامل فرهنگی هستند و فضای آزادی را می طلبند که فرهنگ خود را در میان مردم جهان تبلیغ کنند؛ به دست آوردن این فضای آزاد بدون تکیه بر قدرت،غالباً امکان پذیر نیست و این فلسفه دیگری برای تشکیل قوای مسلح است.(۳) لذا باید گفت حیات و زندگی بدون «جهاد» امکان پذیر نیست، زیرا یک موجود زنده همیشه در ادامه حیات و زندگی خود با موانعی رو به رو است؛ که هر لحظه حیات او را تهدید می‌کند؛ و اگر مجهز به نیروهای دفاعی نباشد به سرعت نابود می‌شود(۴) جامعه انسانی و کشورهای مختلف نیز از این قانون عمومی مستثنی نیستند؛ و برای ادامه حیات خود نیازمند به نیروی نظامی مجهزی می باشند.(۵) از این رو مسلمانان موظف هستند از تمام توان و نیروی خویش استفاده کنند و بنیه نظامی خویش را بالا ببرند.(۶)

گفتنی است اسلام در مسائل دفاعی و نوع اسلحه جنگی و نحوه استقلال و تمامیت ارضی و جلوگیری از نفوذ دشمنان، احکام خاصی ندارد، بلکه باید با در نظر گرفتن اوضاع و احوال موجود، مقررات و احکامی از طرف حکومت اسلامی در نظر گرفته شود و از راهی که به حفظ مقاصد اسلام کمک کند اقدام گردد.(۷)

تقویت توانمندی دفاعی؛ یک اصل قرآنی

اسلام در تقویت بنیه دفاعی به وضع یک اصل کلی دست زده و مصداق و نوع سلاح و تاکتیک را معین نمی‌کند بلکه مسلمانان را به آمادگی کامل خود برای دفاع از خویش فرا می‌خواند.(۸) لذا در قرآن می‌خوانیم: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوة؛(۹) هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان] آماده سازید!».(۱۰)

تقویت بنیه دفاعی در عصر انبیاء الهی
آگاهی داوود(ع) از تهیه وسیله دفاعی

در دو سوره از قرآن مجید در مورد ابداع زره مناسب که یک وسیله دفاعی مؤثر برای جنگ‌های زمان‌های پیشین محسوب می شد از سوی داوود(ع) پیامبر بزرگ الهی بحث شده است.(۱۱) در یک جا می فرماید:« ما ساختن زره را به داوود تعلیم دادیم تا شما را در جنگهایتان حفظ کند، آیا شکرگزاری (این نعمت الهی را) می کنید.»(۱۲و۱۳)

از این آیه به خوبی معلوم می شود ابداع و اختراع این وسیله دفاعی به تعلیم الهی و در عصر داوود(ع) صورت گرفت، در حالی که می دانیم ضرورتی ندارد پیامبر الهی مبتکر و ابداع کننده چنین موضوعی باشد.(۱۴)

همچنین در فراز دیگر از قرآن کریم می‌خوانیم: «ما آهن را برای او (داوود) نرم کردیم (و دستور دادیم) زره‌های کامل و فراخ بساز و حلقه‌ها را به اندازه و متناسب کن و عمل صالح به جا آورید که من به آنچه انجام می دهید بینا هستم.»(۱۵و۱۶) بی تردید این دستور نشان می‌دهد داوود به فرمان الهی دست به ساختن چیز بی‌سابقه ای زد که علم و آگاهی آن را از سوی خدا یافته بود و مسئله نرم کردن آهن را برای او ممکن ساخت، خواه جنبه اعجاز داشته باشد و یا به صورت یک تعلیم الهی.(۱۷) با استفاده از وسائل و اسباب و در هر صورت ابتکار این امر (ساختن مفتول‌های نازک و محکم برای بافتن زره در آن زمان به گونه ای که هم پوشیدن آن راحت باشد و هم مانع تحرک سربازان نشود و هم در مقابل ضربه تیر و شمشیر و خنجر مقاومت کند، کار مهم و پیچیده ای بود و اهمیت آن در آن عصر کمتر از ابداع سلاح‌های مهم دنیای امروز نبود.(۱۸) این نکته نیز قابل توجه است که وقتی آهن به دست حضرت داوود(ع) نرم شد ترجیح داد وسیله دفاعی بسازد نه وسیله تهاجمی همچون شمشیر.(۱۹) به هر حال با اینکه تهیه این وسیله دفاعی که در جنگ‌های آن زمان مهم و سرنوشت ساز بود چیزی نیست که اگر پیامبر از آن آگاه نباشد در دعوت مذهبی او خللی به وجود آید، ولی خداوند این صنعت را به او تعلیم داد و در میان بشر باقی ماند.(۲۰)

> **سیره عملی پیامبر(صلی الله علیه و آله) و پیشوایان بزرگ اسلام نشان می دهد که آنها برای مقابله با دشمن از هیچ فرصتی غفلت نمی‌کردند، در تهیه سلاح و نفرات، تقویت روحیه سربازان، انتخاب محل اردوگاه و انتخاب زمان مناسب برای حمله به دشمن و به کار بستن هرگونه تاکتیک جنگی، هیچ مطلب کوچک و بزرگی را از نظر دور نمی داشتند. بلکه مسلمانان خود را با سلاح روز و علوم روز مجهز می کردند، معروف است که در ایام جنگ «حنین» به پیامبر خبر دادند که سلاح تازه مؤثری در «یمن» اختراع شده است، حضرت فوراً کسانی را به یمن فرستاد تا آن سلاح را برای ارتش اسلام تهیه کنند.**

تقویت بنیه دفاعی در سیرهٔ نبوی(ص)

سیره عملی پیامبر(صلی الله علیه و آله) و پیشوایان بزرگ اسلام نشان می دهد که آنها برای مقابله با دشمن از هیچ فرصتی غفلت نمی‌کردند، در تهیه سلاح و نفرات، تقویت روحیه سربازان، انتخاب محل اردوگاه و انتخاب زمان مناسب برای حمله به دشمن و به کار بستن هرگونه تاکتیک جنگی، هیچ مطلب کوچک و بزرگی را از نظر دور نمی داشتند.(۲۱) بلکه مسلمانان خود را با سلاح روز و علوم روز مجهز می کردند،(۲۲) معروف است که در ایام جنگ«حنین»به پیامبر خبر دادند که سلاح تازه مؤثری در«یمن» اختراع شده است، حضرت فوراً کسانی را به یمن فرستاد تا آن سلاح را برای ارتش اسلام تهیه کنند.(۲۳)

تقویت بنیه دفاعی در مکتب علوی

در بیان امام علی(ع)جهاد به «زره محکم» و «سپر مطمئن» تشبیه شده است که هر دو، از وسائل دفاعی در جنگ است. همان گونه که در نبردهای قدیم، کسانی که زره در تن و سپر در دست نداشتند از ضربات دشمن در امان نبودند، قوم و ملتی که جهاد را ترک کند در برابر ضربات دشمن بسیار ناتوان و آسیب پذیر خواهد بود.(۲۴)

لذا آن حضرت فرمود: «زره را کامل کنید؛ و أکملوا اللأمة»(۲۵) منظور از «کامل کردن زره» این است که آن را به وسیله «خود» (کلاه آهنینی که بر سر می‌گذاشتند و مانند زره جنبه دفاعی داشت) و «ساعد بند» (ورقه آهنی که به صورت نیم دایره درآمده و به ساعد می‌بستند تا دست را در برابر ضربات تیر و نیزه و شمشیر حفظ کند) کامل کنند.(۲۶) در فرازی دیگر از آن حضرت می‌خوانیم:«و شمشیرها را قبل از کشیدن از نیام، تکان دهید! (تا به آسانی از نیام درآید؛ و قلقلوا(۲۷) السیوف فی أغمادها(۲۸) قبل سلها»، این نکته، هر چند ظاهرا کوچک به نظر می‌رسد، اما در واقع دستور مهمی است! چرا که گاه ماندن شمشیر در غلاف برای مدت طولانی، سبب می شود که گوشه‌هایی از آن گیر کند و در لحظات حساس که لازم است فورا بیرون کشیده شود،(۲۹) یا خارج نشود و یا با تأخیر خارج شود و در هر صورت ممکن است خطرات غیر قابل جبرانی به وجود آورد.(۳۰)

همچنین لزوم هوشیاری و تقویت بنیه دفاعی را می‌توان در کلام نورانی آن حضرت جست‌وجو کرد که فرمود: « وإن أخا الحرب الأرق، ومن نام لم ینم عنه(۳۱)؛ آن که مرد جنگ است همیشه بیدار است و کسی که به خواب رود (و از دشمن غافل شود باید بداند)دشمن او در خواب نخواهد بود و از او غافل نخواهد شد.»(۳۲)

اهمیت این دستور در عصر و زمان ما از هر عصر و زمانی بیشتر است، زیرا دشمن تهاجم را در جهات مختلف شروع کرده است؛ نه تنها در جهات نظامی، بلکه در جهات فرهنگی از طریق شبهه افکنی و ایجاد تزلزل در مبانی اعتقادی و از طریق نشر فساد و ایجاد آلودگی‌های اخلاقی با تمام قدرت به میدان وارد شده است حتی عوامل زیادی را در داخل مسلمانان با هزینه‌های سنگین انتخاب کرده است. لذا باید بدانیم که در برابر لحظه‌ای غفلت از این برنامه‌های تخریبی هزینه‌های گزافی باید پرداخت.(۳۳)

> **لزوم هوشیاری و تقویت بنیه دفاعی را می‌توان در کلام نورانی حضرت علی(ع) جست‌وجو کرد که فرمود: «آن که مرد جنگ است همیشه بیدار است و کسی که به خواب رود (و از دشمن غافل شود باید بداند)دشمن او در خواب نخواهد بود و از او غافل نخواهد شد.» اهمیت این دستور در عصر و زمان ما از هر عصر و زمانی بیشتر است، زیرا دشمن تهاجم را در جهات مختلف شروع کرده است؛ نه تنها در جهات نظامی، بلکه در جهات فرهنگی از طریق شبهه افکنی و ایجاد تزلزل در مبانی اعتقادی و از طریق نشر فساد و ایجاد آلودگی‌های اخلاقی، با تمام قدرت به میدان وارد شده، حتی عوامل زیادی را در داخل مسلمانان با هزینه‌های سنگین انتخاب کرده است. لذا باید بدانیم که در برابر لحظه‌ای غفلت از این برنامه‌های تخریبی هزینه‌های گزافی باید پرداخت.**

این‌گونه است که در وصیت نامه امام(ع) وقتی علوم را به سه گونه تقسیم می کنند، فنون دفاعی را به عنوان علومی مد نظر قرار می‌دهند که برای زندگی مادی انسان‌ها لازم است و اگر این علم نباشد زندگی مادی انسان به طور معقول اداره نخواهد شد، نهایتاً مشکلات معنوی فراوانی به دنبال خواهد داشت.(۳۴) به همین دلیل تحصیل این علم به مانند دیگر علوم در اسلام برای همگان واجب کفایی است؛ یعنی هر گروهی لازم است به دنبال تحقق آن برود تا بخشی از نیازهای مادی جامعه اسلامی تأمین شود، حال اگر در این رشته به اندازه کافی متصدیانی وجود نداشته باشد، وجوب عینی پیدا می کند.(۳۵)

تقویت بنیه دفاعی حتی در حال نماز

در قرآن مجید در مورد جنگجویان آمده است که حتی به هنگام نماز در کنار میدان جنگ دستور می‌دهد هوشیاری خود را با همراه داشتن اسلحه در حال نماز حفظ کنند: «ولیأخذوا حذرهم وأسلحتهم ود الذین کفروا لو تغفلون عن أسلحتکم وأمتعتکم فیمیلون علیکم میلة واحدة(۳۶)؛ آنها باید وسایل دفاعی و سلاح‌هایشان را (در حال نماز با خود) برگیرند؛ (زیرا) کافران آرزو دارند که شما از سلاح‌ها و وسایل خود غافل شوید تا یکباره به شما هجوم آورند.»(۳۷) لذا در هر صورت از همراه داشتن وسایل محافظتی و ایمنی (مانند زره و خود و امثال آن) غفلت نکنید و حتی در حال عذر، حتماً آنها را با خود داشته باشید که اگر احیانا دشمن حمله کند بتوانید تا رسیدن کمک، خود را حفظ کنید (و لیأخذوا حذرکم)(۳۸و۳۹)... اینها همه نشان می دهد که مسلمانان در هر زمان و مکان و در هر شرایطی که باشند هوشیاری خود را در مقابل دشمن حفظ کنند.(۴۰)

تقویت بنیه دفاعی، نیازمند بودجه و اعتبارات مالی

باید اذعان کرد تقویت بنیه دفاعی اسلام و بالا بردن توان نظامی ارتش اسلام و به کارگیری پیشرفته‌ترین سلاح‌های نظامی هزینه زیادی خواهد داشت، که مسلمانان باید آن را تأمین کنند؛ ولی از آنجا که این هزینه‌ها در راه خدا مصرف می شود، خداوند متعال آن را به‌طور کامل به انفاق کنندگان بازخواهد گرداند و این‌گونه افراد بدون شک در این معامله ضرر نخواهند کرد،(۴۱) لذا تهیه نیرو و قوه کافی و ابزار و اسلحه جنگی و وسایل مختلف دفاعی نیاز به سرمایه مالی دارد، از این رو خداوند در قرآن کریم به مسلمانان دستور می دهد که باید با همکاری عمومی این سرمایه را فراهم سازید و بدانید هر چه در این راه(۴۲) (در راه تقویت بنیه دفاعی و نظامی مسلمانان در برابر دشمن) (۴۳) بدهید در راه خدا داده‌اید و هرگز گم نخواهد شد: « و آنچه در راه خدا انفاق کنید به شما پس داده خواهد شد(۴۴و۴۵)، و تمام آن و بیشتر از آن به شما می‌رسد:« و هیچ گونه ستمی بر شما وارد نمی شود.»(۴۶و۴۷) این پاداش، در زندگی این جهان از طریق پیروزی اسلام و شوکت و عظمت آن به مردم می رسد، زیرا یک ملت ضعیف و مغلوب، سرمایه‌های مالی او نیز به خطر خواهد افتاد و امنیت و آرامش و استقلال خویش را نیز از دست خواهد داد، بنا براین ثروت‌هایی که در این راه صرف می شود از طریق دیگر و در سطحی بالاتر به انفاق کنندگان بر خواهد گشت.(۴۸) بدین ترتیب همچنانکه اسلحه‌های مختلف برای دفاع وجود دارد، لیکن فقدان آن موجب هلاکت ما است.(۴۹)

لزوم تقویت بنیه دفاعی حتی در زمان صلح

اگر چه اسلام دعوت به صلح می کند و به دعوت صلح دشمن پاسخ مثبت می دهد، ولی به مسلمانان هشدار می‌دهد که مواظب مکر و فریب دشمن باشند و حتی به هنگام صلح هم توان نظامی و قدرت دفاعی را در حد بالایی حفظ کنند،(۵۰) تا اگر دشمن مکر و حیله کرد، مسلمانان غافلگیر نشوند؛ مثل اینکه دشمن در موقعیت ضعیفی قرار گرفته و برای تجدید قوای نظامی خویش و سازماندهی جدید آنها، پیشنهاد صلح دروغین می کند و مدتی مسلمانان را سرگرم گفت‌گوهای صلح می نماید تا پس از آمادگی مجدد ضربه ای بر مسلمانان وارد سازد؛ در اینجا اگر مسلمانان توان نظامی خویش را، حتی به هنگام صلح حفظ کنند، غافلگیر نخواهند شد و توطئه دشمن را دفع می کنند.(۵۱) از آیه شریفه«و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة...»(۵۲و۵۳) بروشنی استفاده می شود؛ که مسلمانان حتی در حال صلح باید آمادگی و قدرت نظامی خود را حفظ کنند؛ و اگر روز به روز فنون جنگی پیشرفته‌تر شود؛ آنها هم به طور مداوم آموزش‌های نظامی را هماهنگ با آن ببینند و همچنین سلاح‌های پیشرفته را به هر قیمتی که هست در اختیار بگیرند؛ و با توجه به اینکه «قوه» (نیرو) تمام نیروهای معنوی و مادی انسانی و غیر انسانی را شامل می شود، همه اینها را آماده سازند.(۵۴)

> **از آیه شریفه«و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة...» بروشنی استفاده می شود؛ که مسلمانان حتی در حال صلح باید آمادگی و قدرت نظامی خود را حفظ کنند؛ و اگر روز به روز فنون جنگی پیشرفته‌تر شود؛ آنها هم به طور مداوم آموزش‌های نظامی را هماهنگ با آن ببینند و همچنین سلاح‌های پیشرفته را به هر قیمتی که هست در اختیار بگیرند؛ و با توجه به اینکه «قوه» (نیرو) تمام نیروهای معنوی و مادی انسانی و غیر انسانی را شامل می شود، همه اینها را آماده سازند.**

همچنین در فراز دیگر از قرآن کریم می‌خوانیم: «یا ایها الذین آمنوا خذوا حذرکم فانفروا ثبات او انفروا جمیعا(۵۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! آمادگی خود را در برابر دشمن حفظ کنید و در گروه‌های متعدد یا به صورت دسته واحد (طبق شرایط موجود)، به سوی دشمن حرکت نمایید.»(۵۶) با توجه به اینکه «حذر» (بر وزن خضر) به معنای بیداری و هوشیاری و آماده‌باش در برابر خطر است و گاه به معنی وسیله ای است که با کمک آن با خطر مبارزه می شود؛ لزوم آماده‌باش دائمی مسلمین در مقابل دشمن، به خوبی روشن می گردد.(۵۷) جمله« فانفروا ثبات او انفروا جمیعا»(۵۸) با توجه به معنی نفر (کوچ کردن) نشان می دهد که مسلمانان نباید بنشینند تا دشمن بر آنها هجوم برد؛ بلکه باید به استقبال دشمن بروند و پیش از تهاجم بر او هجوم برند و از روش‌های مختلف برای این امر استفاده نمایند، گاه به صورت گروه‌های پراکنده، جنگ پارتیزانی بر ضد او به راه بیندازند و گاه به صورت ارتش منظم و یکپارچه حمله را آغاز نمایند و در هر جا مطابق مقتضای زمان و مکان عمل کنند.(۵۹)

ایجاد رعب و وحشت در میان دشمنان
در گرو تقویت بنیه دفاعی

لزوم ترسانیدن دشمن از جمله مهم‌ترین مولفه‌ها در تقویت بنیه دفاعی است؛ یعنی مسلمانان از نظر امکانات نظامی و دفاعی در سطحی از آمادگی باشند که ابهت و هیبت لشکر اسلام در دل دشمن ایجاد رعب و وحشت کند، به گونه‌ای که حتی فکر حمله به کشور اسلامی را از سر بیرون کند.(۶۰) بدون شک اسلام برای جلوگیری از جنگ، که آسیب‌های روحی، روانی، جانی و مالی فراوانی به همراه دارد، به مسلمانان سفارش می کند که آنچنان قوی و نیرومند باشند تا دشمن خیال حمله به آنها را هم نداشته باشد، و در عین حال عزت و آبرو و اعتبار آنان حفظ شود.(۶۱) لذا قرآن صریحاً مسیرها را مشخص ساخته است و بر مبنای آیهٔ«اشداء علی الکفار رحماء بینهم» (۶۲) در برابر دشمنان بی‌رحم، باید روشی شدید اتخاذ کرد و در برابر دوستان باید نرمش نشان داد.(۶۳)

> **لزوم ترسانیدن دشمن، از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌ها در تقویت بنیه دفاعی است؛ یعنی مسلمانان از نظر امکانات نظامی و دفاعی در سطحی از آمادگی باشند که ابهت و هیبت لشکر اسلام در دل دشمن ایجاد رعب و وحشت کند، به گونه‌ای که حتی فکر حمله به کشور اسلامی را از سر بیرون کند.**

اسلام نمی گوید جنگ کنید بلکه می گوید آنچنان قوی باشید تا دیگر کشورها جرات حمله به شما را نداشته باشند، از این رو قرآن این آمادگی را مقید به نیروی خاصی نمی‌داند و می‌فرماید هر نیرویی که می‌توانید فراهم کنید تا بتوانید دشمن را بترسانید(۶۴) زیرا جنگ حتی با پیروزی نیز دارای لطماتی است پس باید کاری کرد که دشمن هرگز به خود اجازه جنگ و حمله به کشور را ندهد، در این صورت ما هم پیروز خواهیم بود و هم هزینه‌ای نمی‌پردازیم.(۶۵) بنابراین تدارک قوا و تقویت نیروها به‌طور عام و آماده ساختن مرکب جنگی آن عصر را به‌طور خاص (به عنوان یک مصداق) به منظور پیشگیری از وقوع جنگ و ترساندن دشمنان به شدت توصیه می‌شود و این منطقی ترین هدف برای تقویت بنیه نظامی است.(۶۶)

> **اسلام نمی‌گوید جنگ کنید بلکه می‌گوید آنچنان قوی باشید تا دیگر کشورها جرات حمله به شما را نداشته باشند، از این رو قرآن این آمادگی را مقید به نیروی خاصی نمی‌داند و می‌فرماید هر نیرویی که می‌توانید فراهم کنید تا بتوانید دشمن را بترسانید زیرا جنگ حتی با پیروزی نیز دارای لطماتی است پس باید کاری کرد که دشمن هرگز به خود اجازه جنگ و حمله به کشور را ندهد، در این صورت ما هم پیروز خواهیم بود و هم هزینه‌ای نمی‌پردازیم.**

سخن آخر

در خاتمه باید گفت از نظر اسلام تجهیزات نظامی و آمادگی جنگی و دفاعی در حد اعلا برای ایجاد جنگ و خونریزی و ویرانی و خسارت به طرف مقابل نیست، بلکه برای پیشگیری از جنگ است.(۶۷) حال آیا هیچ عاقلی در جهان، هر چند پایبند به هیچ دین و مذهبی نباشد، این کار را تقبیح نموده و زشت می شمارد؟(۶۸) در حالی که طبق آیه شریفه ۶۰ سوره انفال مسلمانان باید تمام توان و امکانات خود را به کار بگیرند تا از هر جهت در آمادگی کامل باشند. اما نه برای جنگ و خونریزی، بلکه برای اینکه فکر جنگ و کشتار را از سر دشمنان بیرون کنند.(۶۹) قرآن به ما می آموزد که ابزار و آلات جنگی، آمادگی رزمی، سیاسی، اجتماعی، نظامی، همه و همه، برای جلوگیری از جنگ است، نه اقدام به جنگ و درگیری.(۷۰)

با این تفاسیر، نظام اسلامی در سایه عمل به این آیه شریفه فکر حمله را از سر دشمنان خود بیرون کرده است و آمادگی نیروهای دفاعی ما در بسیج و سپاه و ارتش و نیروی انتظامی و نیروهای مردمی، اجازه چنین جسارتی به آنها نداده و نخواهد داد.(۷۱) نتیجه اینکه جهاد از منظر اسلام به عنوان نیروی بازدارنده دشمن از نبرد و خونریزی ودر حقیقت سیستم دفاعی قوی و مستحکمی است که باعث جلوگیری از درگیریهای نظامی و خشونت دشمن می‌شود.(۷۲) نباید فراموش کرد که انقلاب اسلامی ایران باید مستحکم باقی بماند، باید بهترین سلاح را برای دفاع از خود فراهم کنیم لیکن از آنجا که هر نیروی دفاعی در عالم هستی یا باید از درون ذات چیزی بجوشد و یا از ناحیه خدا داده شود، لذا برترین سلاح ما سلاح ایمان و توکل به خداوند است. ایمان سلاحی است که به واسطه آن نیروهای ما از شهادت ترسی نخواهند داشت بلکه به آن افتخار می‌کنند در صورتی که دشمنان ما از این سلاح محرومند.(۷۳)

۱و۲.پیام قرآن؛ ج ۱۰؛ ص ۲۹۱. ۳تا۵. همان؛ ص ۲۹۲. ۶.آیات ولایت در قرآن؛ ص ۳۰۹. ۷. پاسخ به پرسشهای مذهبی؛ ص ۱۰۳. ۸. اسلام در یک نگاه؛ ص ۱۰۱. ۹. انفال، آیه ۶۰. ۱۰. پاسخ به پرسشهای مذهبی؛ ص ۱۰۳. ۱۱. پیام قرآن؛ ج ۷؛ ص ۲۵۰. ۱۲. انبیاء؛ آیهٔ ۸۰. ۱۳ برگزیده تفسیر نمونه؛ ج ۳؛ ص ۱۸۳. ۱۴.پیام قرآن؛ ج ۷؛ ص ۲۵۰. ۱۵. سبا؛ آیات ۱۰ و ۱۱. ۱۶ و ۱۷. پیام قرآن؛ ج ۷؛ ص ۲۵۰. ۱۸. همان؛ ص ۲۵۱. ۱۹ و ۲۰. همان؛ ص ۲۰۵. ۲۱. برگزیده تفسیر نمونه؛ ج ۲؛ ص ۱۶۴. ۲۲.پاسخ به پرسشهای مذهبی؛ ص ۵۹۷. ۲۳. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۲۴. ۲۴. پیام امام امیر المؤمنین(ع)؛ ج ۲؛ ص ۱۳۸. ۲۵. لأمهٔ بر وزن رحمهٔ در اصل به معنای اجتماع و اتفاق است، از همین رو هنگامی که دهانه زخم به هم آید و خوب شود به آن«التیام» گفته می شود و« لأمه» به معنای زره است، شاید از این جهت که حلقه‌های آن با هم جمع شده و گره خورده است و گاه این واژه به معنای هر گونه سلاح بکار می‌رود. ۲۶.پیام امام امیر المؤمنین(ع)؛ ج ۳؛ ص ۹۴. ۲۷. قلقلوا از ماده قلقله بر وزن مرحمه به معنای حرکت دادن و لرزاندن است. ۲۸.أغماد جمع غمد بر وزن رند به معنای غلاف شمشیر است و لذا در مورد پاره‌ای از گیاهان که خارهای آن لابه لای برگ‌ها پنهان است این ماده به کار می‌رود. ۲۹. پیام امام امیر المؤمنین(ع)؛ ج ۳؛ ص ۹۴. ۳۰.همان؛ ص ۹۵. ۳۱. همان؛ ج۱۱؛ ص ۲۳۹. ۳۲. همان؛ ص ۲۴۰. ۳۳. همان؛ ص ۲۴۶. ۳۴ و ۳۵. پیام امام امیر المؤمنین(ع)؛ ج ۹؛ ص ۵۰۶. ۳۶. نساء؛آیه ۱۰۲. ۳۷.پیام امام امیر المؤمنین(ع)؛ ج ۱۱؛ ص ۲۴۶. ۳۸. نساء؛ آیه ۱۰۲. ۳۹.برگزیده تفسیر نمونه؛ ج ۱؛ ص ۴۴۵. ۴۰.پیام امام امیر المؤمنین(ع)؛ ج ۱۱؛ ص ۲۴۶. ۴۱.آیات ولایت در قرآن؛ ص ۳۰۹. ۴۲.برگزیده تفسیر نمونه؛ ج ۲؛ ص ۱۶۵. ۴۳. تفسیر نمونه؛ ج ۷؛ ص ۲۲۹. ۴۴.انفال؛ آیهٔ ۶۰. ۴۵.برگزیده تفسیر نمونه؛ ج ۲؛ ص ۱۶۵. ۴۶. انفال؛ آیهٔ ۶۰. ۴۷ و ۴۸. تفسیر نمونه؛ ج ۷؛ ص ۲۲۸. ۴۹.اخلاق اسلامی در نهج‌البلاغه (خطبه متقین)؛ ج ۱؛ ص ۲۹۰. ۵۰.آیات ولایت در قرآن؛ ص ۳۰۹. ۵۱.همان؛ ص ۳۱۰. ۵۲. انفال، آیه ۶۰. ۵۳.پیام قرآن؛ ج ۱۰؛ ص ۳۱۱. ۵۴.همان؛ ص ۳۱۲. ۵۵. نساء؛ آیهٔ ۷۱. ۵۶ و ۵۷.پیام قرآن؛ ج ۱۰؛ ص ۳۱۲. ۵۸.نساء؛ آیهٔ ۷۱. ۷۹.پیام قرآن؛ ج ۱۰؛ ص ۳۱۱. ۶۰ و ۶۱.از تو سؤال می کنند(مجموعه سؤالات قرآنی از پیامبر اکرم ص)؛ ص ۷۵. ۶۲. فتح؛ آیهٔ ۲۹. ۶۳.زندگی در پرتو اخلاق؛ ص ۲۲۳. ۶۴ و۶۵.بیانات آیت‌الله مکارم شیرازی در دیدار شماری ازفرماندهان نیروی انتظامی؛۱۳۹۰/۱۰/۱۱. ۶۶.پیام قرآن؛ ج ۸؛ ص ۲۷۹. ۶۷ و ۶۸.از تو سؤال می کنند(مجموعه سؤالات قرآنی از پیامبر اکرم ص)؛ ص ۷۵. ۶۹.سوگندهای پر بار قرآن؛ ص ۳۲۴. ۷۰ تا۷۲.همان؛ ص ۳۲۳. ۷۳.بیانات آیت‌الله مکارم شیرازی در دیدار شماری از فرماندهان نیروی انتظامی؛۱۳۹۰/۱۰/۱۱.

از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله مکارم شیرازی

چراغ راه

آفات پرگویی

قال‌الامام علی(ع): «من کثر کلامه کثر خطاه و من کثر خطاه قلّ حیاؤه و من قلّ حیاؤه قل ورعه، و من قلّ ورعه مات قلبه و من مات قلبه دخل النار.»

امام علی(ع) فرمود: کسی که زیاد سخن می‌گوید، زیاد هم اشتباه دارد و هرکس که بسیار اشتباه کرد، شرم و حیای او اندک شود و آنکه شرم او اندک شود، پرهیزکاری او نیز اندک خواهد بود و کسی که پرهیزکاری او اندک شود، دلش بمیرد و آنکه دلش بمیرد در آتش جهنم سقوط خواهد کرد.(۱)

۱- نهج‌البلاغه- حکمت ۳۴۹

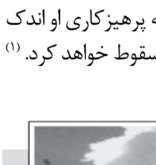

حکایت خوبان

خصلت‌هایی که با زبان به ظهور می‌رسد

امام علی(ع) درباره خصلت‌هایی که با زبان ظاهر می‌شود می‌فرماید: ای مردم! ده خصلت در انسان است که با زبانش ظاهر می‌شود: ۱- شاهد و گواهی است که از درون گزارش می‌دهد. ۲- داور میان حق و باطل است. ۳- بیانگر حقایق اشیا است ۴- شافعی است که حاجت به او روا می‌شود. ۵- توصیف‌کننده‌ای است که هر چیز را معرفی می‌کند. ۶- فرماندهی است که به کار خوب فرمان می‌دهد. ۷- واعظی است که از زشتی بازمی‌دارد. ۸- تسلیت‌گویی است که غم‌ها به آن آرام می‌شود. ۹- ستایشگری است که کینه‌ها بدان برطرف می‌شود. ۱۰-دلربایی است که گوش‌ها از آن لذت می‌برد.(۱)

۱- تحف‌العقول، ص ۶۸

پرسش و پاسخ

آفات زبان(۱)

پرسش: از منظر آموزه‌های وحیانی چه آفات و آسیب‌هایی برای زبان وجود دارد که باید با آنها مقابله کرد!

پاسخ:

اهمیت و نقش زبان

از بزرگ‌ترین و باارزش‌ترین نعمت‌هایی که خدای متعال به انسان عطا کرده است: نعمت زبان و قدرت گویایی و ناطقیت او است. این نعمت الهی آنچنان جایگاه رفیعی دارد و مهم و باارزش است که خدای متعال اولا تعلیم آن را به خود نسبت می‌دهد، و ثانیا بلافاصله بعد از بیان آفرینش آدمی، نعمت گویایی و نطق انسان را یادآور می‌گردد. «خلق الانسان، علمه البیان» خدا انسان را آفرید و به او قدرت بیان را تعلیم داد. (الرحمن- ۳ و ۴) زبان نقش کلیدی و وسیعی در ابعاد زندگی انسان دارد، و کاربرد آن بیش از سایر اعضای بدن می‌باشد. زیرا آنچه را که انسان به وسیله قوای ظاهری و حواس خود درک می‌کند و آنچه را که با عقل یا وهم یا خیال درمی‌یابد، می‌تواند با زبان خود اظهار و بیان کند. بنابراین زبان مقدمه دانش است و حفظ دانش و ترفیع و گسترش آن تنها از راه زبان شفاهی و زبان مکتوب صورت می‌گیرد. زبان پرده‌دار روح وسیع و باطن نامحدود انسان است که درباره موجود و معدوم، حق و باطل، معلوم و مجهول سخن می‌راند و هیچ‌گونه محدودیتی در قلمرو آن نیست، نه در جانب خیر برای آن حد و مرزی وجود دارد و نه در طرف شر آن، بالاتر از همه اینها ملاک کفر و ایمان افراد از طریق گواهی دادن زبان صورت می‌پذیرد. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: الایمان معرفه بالقلب و اقرار باللسان و عمل بالارکان» ایمان، معرفت و شناخت پیدا کردن با قلب، و اقرار با زبان و عمل با اعضا و جوارح است (خصال، شیخ صدوق، ص ۱۷۶) امام باقر(ع) هم کلید هر خوبی و بدی را در زبان می‌داند: «ان هذا اللسان مفتاح کل خیر و شر» (تحف‌العقول، ص ۲۱۸) بنابراین با توجه به نقش و اهمیت بالای زبان که مرز میان انسان و موجودات دیگر است، در محدوده انسانی نیز می‌توان آن را کلید و شخصیت انسان محسوب کرد و یا به تعبیر امام علی(ع): «اللسان میزان الانسان» زبان معیار سنجش انسان است. (شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۳۳۹)

لزوم کنترل و تربیت زبان

کنترل و تربیت زبان در عین اینکه کاری مهم و باارزش است، ظریف و دشوار هم است، و مؤمن باید با استمداد از خدا و تلاش و جدیت خویش، بر انجام این مهم همت گمارد تا قله‌های مکرمت و ارجمندی را فتح کرده و در اوج انسانیت و شرف جای گیرد. پس ضرورت دارد که نخست حق و باطل را درک کند تا زبان را در بستر حق به کار گیرد، و اولین گام شناخت آفات و آسیب‌هایی است که گوهر ارزشمند زبان و سخن را به تباهی می‌کشد. در این رابطه زبان آفات فراوانی دارد که باید انسان با آنها برای کنترل و تربیت آن مبارزه کند و ما در اینجا برخی از اهم این آسیب‌ها را نام می‌بریم.

اهم آفات زبان

۱- غیبت

غیبت به معنی یاد کردن برادر دینی است به چیزی که او راضی به آن نمی‌باشد. قرآن کریم در رابطه با زشتی این گناه می‌فرماید: غیبت یکدیگر را روا مدارید. آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ البته کراهت دارید! (حجرات- ۱۲) پیامبر اکرم(ص) در رابطه با غیبت می‌فرماید: بپرهیزید از غیبت، زیرا غیبت سخت‌تر و بدتر است از زنا، چون ممکن است کسی زنا کند و بعد توبه نماید، و خدا هم توبه او را بپذیرد، ولی غیبت‌کننده آمرزیده نمی‌شود تا اینکه کسی که غیبتش را کرده او را ببخشد. (محجه البیضاء، ج ۵، ص ۲۵۱) همچنین آن حضرت می‌فرماید: در شب معراج گروهی را دیدم که صورت خود را با ناخن‌های خود می‌خراشیدند. از جبرئیل سؤال کردم اینها چه گروهی از مردم‌اند؟ جبرئیل گفت: اینان کسانی هستند که غیبت می‌کردند، و معترض آبروی مردم می‌شدند. (همان) بدین جهت پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: ایاک و الغیبه، فان الغیبه اشد من الزنا» از غیبت کردن دیگران بپرهیزید! پس همانا غیبت از زنا شدیدتر (از نظر عقوبت و حق‌الناس بودن) است. (وسایل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۱)

(ادامه دارد)

سلوک عارفانه

دروغ مصلحت‌آمیز
یا دروغ مصلحت‌خیز؟

فرق است میان دروغ مصلحت‌آمیز و دروغ مصلحت‌خیز. دروغ مصلحت‌آمیز یعنی دروغی که فلسفه خودش را از دست داده و فلسفه راستی را پیدا کرده است؛ یعنی دروغی که با آن انسان حقیقتی را نجات می‌دهد. ولی دروغ منفعت‌خیز، یعنی انسان دروغ می‌گوید که خودش سودی برده باشد. مسئله مصلحت با مسئله منفعت نباید اشتباه بشود. مصلحت، دایر مدار حقیقت است. مصلحت و حقیقت دو برادر هستند که از یکدیگر جدا نمی‌شوند. مصلحت یعنی رعایت حقیقت را کردن نه رعایت سود خود را کردن که این منفعت است.(۱)

۱- فلسفه اخلاق، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۷۹